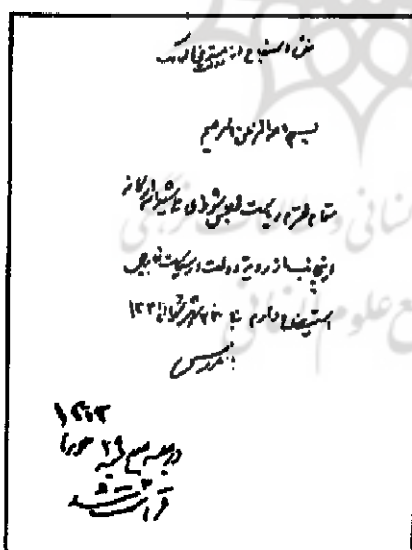


۵ سند منتشر نشده از مدرس

■ خوبست آباد کنید، تخریب نکنید

علی مدرس

می‌دید که مستوفی الممالک در مقام نخست وزیری نمی‌تواند در مقابل دیکتاتوری رضا خان بایستد و وزیر جنگ کابینه او



(رضاخان) در همه امور دخالت می‌کند و

اشاره در سالگرد شهادت روحانی مبارزه سید حسن مدرس (ره) بار دیگر بر آن شدیم تا ضمن گرامی داشت یاد و خاطره تابناک این چهره سترگ، شماری از مهم‌ترین اسناد دوران مبارزات علنی او را از نظر شما بگذرانیم. با سپاس از همکاران آقای دکتر علی مدرس که این اسناد مهم را در اختیار مجلس و پژوهش گذاشتند و برای هر یک از آنها، شرح و توضیح سودمندی نگاشتند، توجه شما را به این مجموعه از اسناد جلب می‌کنیم.

□ سند شماره ۱

استیضاح مستوفی الممالک

حسن مستوفی (مستوفی الممالک)، در ۲۶ بهمن ۱۳۰۱ به عنوان نخست وزیر انتخاب شد و تا ۲۵ خردادماه ۱۳۰۲ که جای خود را به مشیرالدوله داد، روی کار بود. مدرس

پادمان

و نشستن بر اریکه سلطنت به کار گرفت. در این حال، مدرس، با احساس مسئولیت تاریخی خود، در شرایطی که کمتر کسی از رجال ایران، قدرت و توان رویارویی با او را داشتند، برای خاتمه دادن به دیکتاتوری رضاخان و مداخله او در امور کشور (که به عنوان رئیس الوزرا از هیچ طرفند و توطئه‌ای رویگردان نبود) با اقتداری تمام، رضاخان را در مجلس به استیضاح کشید. متن استیضاح، به‌ویژه بند دوم آن که به قیام و اقدام رضاخان برضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به «مجلس شورای ملی» اشاره دارد، در آن زمان، حکم اعدام داشت. البته رضاخان و یارانش نگذاشتند استیضاح عملی شود، که شرح مفصل آن در تاریخ مجلس پنجم منعکس است. متن استیضاح چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم.

این جانبان راجع به مواد ذیل از آقای رئیس الوزرا استیضاح داریم.

۱- سوء سیاست نسبت به داخله و

خارجه

۲- قیام و اقدام برضد قانون اساسی و

حکومت مشروطه و توهین به مجلس

شورای ملی

۳- تحویل ندادن اسوال مقصّرین و

غیره به خزانه دولت

مدرس، حساسی زاده، عراقی

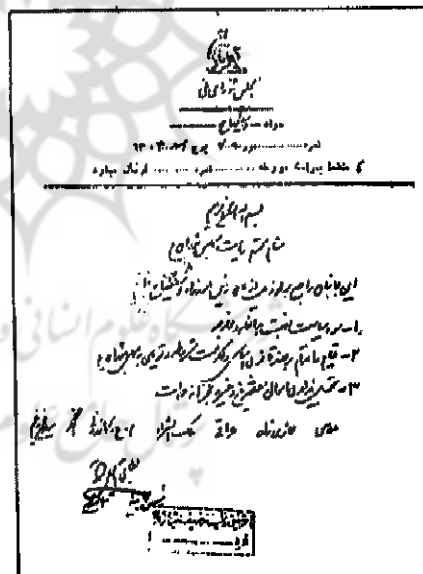
مسلك الشعراء، مع كازرونی، اخگر،

سید حسین زعیم.

مستوفی (به قول مدرس) قوه منع او را ندارد، به شکلی بسیار محترمانه، تنها در مورد سیاست خارجی، آن هم به علت قصور، او را استیضاح می‌کند تا دولتی روی کار آورد که بتواند در برابر دخالت‌های خودسرانه رضاخان مقاومت کند و از فراگیر شدن سیاست دول بیگانه، مخصوصاً انگلستان در ایران، جلوگیری نماید.

□ سند شماره ۲

استیضاح رضاخان (در مقام رئیس الوزرا) دولت مستوفی الممالک و مشیرالدوله پیش از چند ماه نیابیدند، تا این که رضاخان در آبان‌ماه ۱۳۰۲ به عنوان رئیس الوزرا برگزیده



شد و با اتکا به سیاست انگلستان، کوشش نهایی خود را برای دستیابی به قدرت مطلقه



قوانین موضوعه مملکتی به شخص آقای رضاخان پهلوی واگذار می‌کند، تعیین تکلیف قطعی موکول به نظر مجلس موسسان است که برای تغییر مواد (۳۵) و (۴۳) و (۳۸) و (۴۰) قانون اساسی تشکیل می‌شود.

در زمان تصویب این ماده، ۴ نفر به صورت جدی با آن مخالفت کردند و مخصوصاً مدرس، مجلس را به علت نداشتن رئیس و استعفای مستوفی از ریاست مجلس، غیرقانونی شمرد و ضمن احضار نظامنامه‌ای گفت: «این مجلس غیرقانونی است و اگر صد هزار رأی هم بدهید، خلاف قانون است». مصدق، تقی زاده و دولت آبادی نیز در مخالفت با این ماده، نطق‌هایی ایراد کردند؛ ولی تدین در کنار این سند اسارتبار، چنین نوشته است:

«به نام ماده واحده، در جلسه دویست و یازدهمین مجلس شورای ملی، مورخه نهم آبان ماه ۱۳۰۴ به اکثریت ۸۰ رأی با ورقه سفید در مقابل ۵ نفر ساکت تصویب شده.

امضای، آن هم مربوط به سید محمد تدین است که نایب رئیس مجلس بود. امضاکنندگان، یعنی بخشندگان تاج و تخت به رضاخان (براساس اسناد موجود)، عبارتند از:

- ۱- آقا میرزا شهاب
- ۲- آقا سید یعقوب (انوار)
- ۳- ابراهیم ضیا
- ۴- آقا شیخ جلال

ناگفته نگذاریم که جز ملک‌الشعرا و سید حسن زعیم، بقیه امضاکنندگان به رضاخان پیوستند و در هنگام طرح ماده واحده در مجلس شورای ملی، به سلطنت او رأی دادند.

□ سند شماره ۳

واگذاری سلطنت به رضاخان

با تشکیل مجلس پنجم و شکست جمهوری رضاخانی، سیاست بریتانیا برای ایجاد حکومت تمرکز قدرت و به سلطنت رسانیدن رضاخان، عده‌ای از نمایندگان را به رهبری تدین، بسیج کرد تا طی ماده واحده‌ای، انقراض سلسله قاجاریه در «مجلس شورای ملی» مطرح شود و سلطنت را به صورت موقت، به رضاخان تفویض کنند.

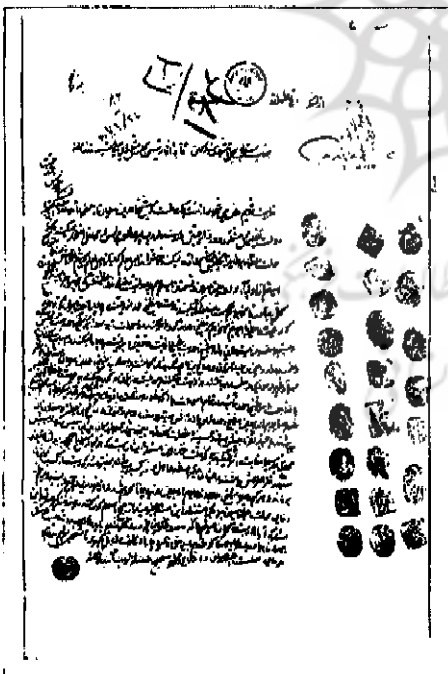
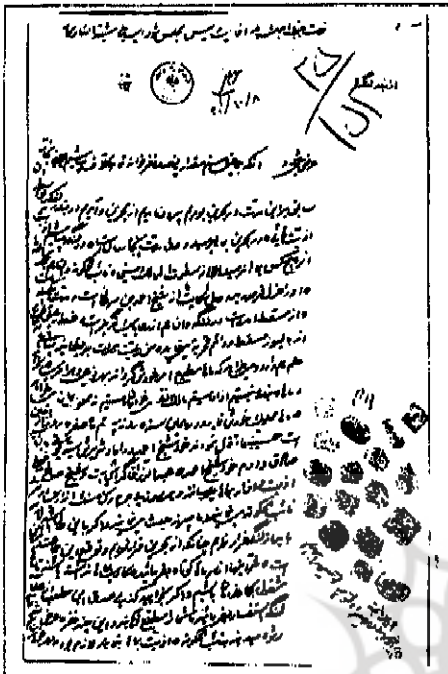
متن این سند مهم چنین است:

نظر به این که عدم رضایت از سلطنت سلسله قاجاریه و شکایاتی که از این خانواده می‌شود به درجه [ای] رسیده که مملکت را به مخاطره می‌کشاند.

نظر به این که حفظ مصالح مهم‌ترین منظور و اولین وظیفه مجلس شورای ملی است و هرچه زودتر به بحران فعلی خاتمه باید داد. امضاکنندگان با قید فوریت، پیشنهاد می‌کنیم مجلس شورای ملی تصمیم ذیل را اتخاذ نماید: مجلس شورای ملی به نام سعادت ملت انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و



- ۳۵- سید کاظم یزدی
۳۶- سهراب زاده
۳۷- سیف... خان اسکندری
۳۸- سید عبدالحسین صدر
۳۹- سهراب خان
۴۰- سلطان ابراهیم خان افخمی
۴۱- سید احمد خان اعتبار
۴۲- سیدحسین کاشانی
۴۳- سلیمان میرزا
۴۴- سید احمدخان اعتبار
۴۵- شوشتری
۴۶- شیخ هادی طاهری
۴۷- شریعت زاده
۴۸- شیردانی
۴۹- شیخ فرج...
۵۰- شیخ محمد علی طهرانی
۵۱- صدرایی
۵۲- طباطبایی دیبا
۵۳- عراقی
۵۴- عظیمی
۵۵- عصر انقلاب
۵۶- کی استوان
۵۷- کازرونی
۵۸- لطف... لیقوانی
۵۹- مرتضی قلی خان بیات
۶۰- میرزا سلیم خان ایزدی
۶۱- محمد تقی خان اسعد
۶۲- میرزا محمد خان معظمی
۶۳- میرزا ید... خان
۶۴- میرزا عبدا... خان معتمد
- ۵- ارباب کیخسرو (نماینده زرتشتیان)
۶- آقای شیخ هادی حایری
۷- افشار
۸- ابوالحسن خان پیرنیا
۹- آقا سید ابوالفتوح
۱۰- امیرخان اعلم (دکتر)
۱۱- الموتی
۱۲- آقا سید جواد محقق
۱۳- آقا رضا مهدوی
۱۴- اسماعیل خان قشقایی
۱۵- آقایان (دکتر) نماینده ارامنه
۱۶- اخگر
۱۷- حاج میرزا علیرضا
۱۸- حاج شیخ عبدالرحمن
۱۹- حاج میرزا عبدالوهاب
۲۰- حبیب... خان شاملو
۲۱- حاج میرزا اسدا... خان
۲۲- حاج سید محمد سلطانی
۲۳- حایری زاده
۲۴- حیدرقلی میرزا حشمتی
۲۵- حاج حسین آقا ملک
۲۶- حبیب... خان کمالوند
۲۷- حاج آقا رضا رفیع
۲۸- حسین خان بهرامی (دکتر)
۲۹- دست غیب
۳۰- دیوان بیگی
۳۱- داور
۳۲- دامغانی
۳۳- رهنما
۳۴- زاهدی



- ۶۵- مفتی
- ۶۶- محمد ولی خان اسدی
- ۶۷- محمد هاشم میرزا افسر
- ۶۸- میرزا اسماعیل خان اصائلو
- ۶۹- میرزایی
- ۷۰- میرزا یوسف خان عدی
- ۷۲- میرزا رضاخان حکمت
- ۷۳- میرزا صادق خان اکبر
- ۷۴- میرزا حسین خان دادگر
- ۷۵- میرزا جواد خان
- ۷۶- میرزا محمودخان و حید
- ۷۷- فتح... میرزا
- ۷۸- فرج... خان اصف
- ۷۹- نجات
- ۸۰- ناصر ندامانی
- ۸۱- هایم
- ۸۲- یحیی خان رنگه
- ۸۳- یاسایی

□ اسناد ۴ و ۵

شکایت اهالی بندر لنگه

در زیر، دو سند که متعاقب یکدیگر نوشته شده‌اند، حاوی شکایت اهالی بندر لنگه از دخالت‌های بی‌امان سیاست بریتانیا در جنوب ایران و مخصوصاً بنادر آمده است، مردم لنگه با شکایت از رفتار عمال انگلیس، از مجلس شورای ملی دادخواهی کرده‌اند که دست پیدادگری عمال انگلیس را از جنوب ایران و بندر لنگه کوتاه کند.

شکایت کنندگان نیز ایرانیانی هستند که

خدمت به شرفم استغفرم از غیاب میرزا قاسم میرزا
 ۱۳۴۳

به خاطر ستمی که عمال انگلیسی در بحرین به آنان روا می‌داشته‌اند، از آنجا به ایران پناه آورده و در بندرلنگه مشغول کسب و کار شده‌اند و جالب است که در همین اوقات، مدرس در مجلس مطرح می‌کند که باید اهالی بحرین در مجلس شورای ملی نماینده داشته باشند.

□ اسناد ۶ و ۷

نامه مدرس به شاهزاده عبدالباقی میرزا این سند در واقع، نامه انتشار نیافته‌ای از مدرس است که با کمال سادگی به شاهزاده

عبدالباقی میرزا در مورد حسین صدری نوشته است و از این‌که این مرد، مورد کم‌لطفی شاهزاده قرار گرفته، گلایه کرده است. فعلاً شاهزاده عبدالباقی میرزا و حسین صدری شناخته نیستند؛ با این امید که در تحقیقات بعدی، آنان را معرفی کنیم.

متن نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت دوست محترم شاهزاده عبدالباقی میرزا زحمت می‌دهم جناب حسین صدری را، از فرار مذکور، خراب کرده‌اید. خوب است آباد کنید چون شما را تا حال اهل آبادی دانسته تذکر دادم. بدانید که در این آبادی خیلی متشکرم. والسلام

فی ۲۸ شهر ذی قعدة مدرس ۱۳۴۳

سجع مهر حسن بن اسماعیل طباطبایی

پشت پاکت:

خدمت باشرافت دوست محترم شاهزاده

عبدالباقی میرزا مشرف شود

۲۸ شهر ذی قعدة ۱۳۴۳

در زاویه در پاکت: مدرس

□ □ □

بسم الله الرحمن الرحيم
 خدمت استغفرم از غیاب میرزا قاسم میرزا
 زحمت می‌دهم جناب حسین صدری را
 از فرار مذکور خراب کرده‌اید خوب است
 آباد کنید چون شما را تا حال اهل آبادی
 دانسته تذکر دادم بدانید که در این آبادی
 خیلی متشکرم والسلام
 فی ۲۸ شهر ذی قعدة ۱۳۴۳
 سجع مهر حسن بن اسماعیل طباطبایی